

■ تا انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال آینده، فرصت زیادی نمانده است. در همین رابطه و هرچه به انتخابات نزدیک‌تر می‌شویم، محافل گوناگون فکری و سیاسی به این موضوع و میزان شانس هر یک از جریان‌ات سیاسی و امکان پیروزی هر کدام، می‌پردازند و از محسّنات و معایب گفتمان‌های مختلف برای آینده پیش روی کشور می‌گویند. ارزیابی اولیه شما از ورود نظری به انتخابات چگونه است؟

می‌توان از اینجا شروع کرد که رئیس جمهوری می‌تواند مشکلات اقتصادی را حل کند که کارآمدی نظام را تقویت کند. کارآمدی نظام علاوه بر یکپارچگی تصمیم‌های سیاسی و اقتصادی و خروج از تحریم، نیازمند فراگیری سیاسی است و تا زمانی که فراگیری سیاسی ایجاد نشود سیاست‌های اقتصادی قربانی صلاحیدهای سیاسی است.

نکته بعدی اینکه فراگیری سیاسی نیازمند اصلاح در دکنترین حکومتاری و تغییر در سنت روشنفکری به ارث رسیده از مشروطه است و از میان این دو، تغییر در سنت روشنفکری تقدم دارد. پیشتر نیز وقتی شماری از روشنفکرانی که ناکامی و شکست مشروطه در تحقق اهدافش را تجربه کردند، درس دادرستی از شکست مشروطه گرفته شد. آنان با شناخت محدودی که از اروپا، زاین و روسیه داشتند، شعار «استبداد منور» را سر دادند. آنان از تلاش برای آزادی خسته شده بودند و برای فرار از هرج‌ومرج، قحطی و جلوه‌گری از تجربه ایران به استقبال شکل بی‌سابقه‌ای از خودکامگی رفتند. جمعی از این روشنفکران که به «برلنی‌ها» معروف بوده و نشریه «کاوه» را در آلمان منتشر می‌کردند، از یک‌سو تجربه ناکام مشروطه ایران را پسِ ذهن داشته و از سوی دیگر به کشورهای اروپایی سفر کرده و با تجارب کشورهایی نظیر ایتالیا و آلمان آشنایی داشتند. آنان به این باور رسیده بودند که جامعه ایران هنوز آمادگی استقرار یک حکومت مشروطه، دموکراتیک و مبتنی بر آزادی‌های سیاسی ندارد، بلکه یک دیکتاتور مصلح‌مانند پتر کبیر می‌تواند کشور را در مسیر توسعه هدایت کند و به‌مرور، آمادگی لازم را برای استقرار یک حکومت مشروطه در ایران فراهم آورد. افرادی چون سید حسن تقی‌زاده، احمد کسروی، مشفق کاطمی، فروغی، نصرت‌الدوله فیروز و بسیاری دیگر از چهره‌هایی که در زمره اولین حامیان فکری رضاخان قرار می‌گرفتند، بر این باور بودند که تز دیکتاتوری منور، تنها راه برون رفت کشور از فضای بی‌ثباتی و بحران فروپاشی‌ای پس از مشروطه است. در این میان ملک الشعرای بهار آن وضعیت را بخوبی توصیف می‌کند:«... از آن واقعه هرج‌ومرج مملکت... که هر دوامه دولتی به روی کار می‌آید و می‌افتاد، حزب‌بازی، فحاشی، تهمت و ناسازگویی... مخالفان هر چیز و هرکس رواج کاملی یافته بود و نتیجه‌اش ضعف حکومت مرکزی و قدرت یافتن راهزنان و پادگان در اقصی نقاط کشور و هزاران مفساد دیگر بود... معتقد شدم و در جریده نوبهار مکرر نوشتم که باید حکومت مقتدری به روی کار آید... دیکتاتور یا حکومت قوی و این هرچه... در این فکر من تنها نبودم، این فکر طبقه فاکر و آشنا به وضعیت آن روز بود... همه این را می‌خواستند...»

اما این فرایند، در نهایت به چیزی

منجر شد که می‌توان آن را در دو خطای تاریخی دسته‌بندی کرد؛ یعنی خطای «حکومت‌داری جامعه ستیز» و «روشنفکری دولت ستیز.»

■ به این ترتیب جنابعالی، قائل به ریشه‌های تاریخی یا رسوب تجربه‌های تاریخی در شکل‌گیری این دو رویکرد هستید؟

دوره رضاشاه را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد؛ دوره نخست که نظام سیاسی، فراگیر با پایگاه اجتماعی و نخیکی بسیار گسترده است و از روحانیون تا روشنفکران و متفکران از او حمایت می‌کنند و دوره دوم که حکومتی محدود با پایگاه اجتماعی و نخبگی بسیار محدود است. این تغییر از حکومت فراگیر به حکومت محدود، در سمت حکومت، شکل‌گیری و سپس تثبیت «سنت حکومتداری جامعه‌ستیز» و در سمت روشنفکران، «سنت روشنفکری دولت ستیز» را در کشور ریشه دار ساخت. از سوی دیگر، به قدرت رسیدن رضاشاه با افزایش درآمد نفت همراه بود (در برخی از اسناد از ۲ میلیون پوند به ۹۰ میلیون پوند). این درآمد همراه با مجموعه مسائل دیگر مانند منازعات مختلف اقوام و سران گروه‌های مختلف و مشاهده قدرت‌های اجتماعی نیروهایی مانند بازاریان و روحانیون، این قدرت ملی و اجتماعی را به رضاشاه داد که می‌توان کرد تا پایه‌های حکومت استوار باشد و مشروطه قاجار مضمحل نگردد.

مطابق این رویکرد، اصناف، روحانیون، اشراف قاجار، رهبران ایلات و عشایر و همه احزاب سرکوب شدند و به این ترتیب حکومت فراگیر رضاشاه، سرعت به حکومتی محدود تبدیل شد. رضاشاه

میان ایران باستان و دینداری، تعارض ایجاد کرد و برخلاف سنت بسیاری از حکام ایرانی نه تنها با نهاد دین بلکه با اشکال مختلف نیروهای سازمان یافته جامعه درافتاد. از پذیرش تشکل‌های جدید مانند احزاب و کارگران بشدت امتناع ورزید و به‌دنبال تضعیف و حتی از بین بردن یکی از ریشه‌دارترین سنن تاریخی این کشور یعنی مذهب تشیع بود. به این ترتیب، می‌بینیم که رضاشاه توانست مسأله تمرکز قدرت را حل کرده و نوعی یکپارچگی سرزمینی را تحقق بخشد، اما این امر از خلال سرکوب و به سکوت کشاندن همه جریان‌ات ایلی و عشایری در سرتاسر کشور ممکن شد؛ چراکه یکپارچگی سرزمینی لزوماً با از بین بردن نهادهای محلی و تضعیف نهادهای مستقل از حکومت تحقق نمی‌یابد. اما رضاشاه و پسرش بسیاری از نهادهای واسط اجتماعی را از بین بردند. به همین دلایل آن حکومت نتوانست فراگیری سیاسی را ایجاد کند. این امر ناشی از این بود که در این سنت، تصور می‌شد که به یمین درآمد نفت و به کمک سیاست‌های اداری و اقتصادی می‌توان مشکلات را حل کرد و کشور را در مسیر توسعه قرار داد.

■ همان‌طور که برای حکومت محدود، به واقعیت تاریخی حکومت رضاشاه استفاده کردید، آیا می‌توان برای آنچه فراگیری سیاسی خواندید هم تجربه‌ای تاریخی را برشمرد؟ بویژه اینکه تاریخ معاصر ما بعد از مشروطه به گونه‌ای است که گویی ما همواره تجربه‌هایی توأم با دشواری و محدودیت‌های اجتماعی و سیاسی داشته‌ایم و به‌همین دلیل، تحقق

یک نظام سیاسی فراگیر امری غیرممکن یا غیرقابل‌باور به‌نظر می‌رسد. در اینجا ضروری است تا دو تجربه تاریخی متفاوت؛ یعنی صفویه و پهلوی را بررسی کنیم تا نتایج حاصله از هر دو را واکاوی کنیم، ضمن اینکه احتمالاً مقایسه حکومت پهلوی با حکومت صفوی می‌تواند مسأله فراگیری حکومت

را توضیح دهد. برخی از پادشاهان صفوی توانستند حکومتی فراگیر ایجاد کنند به این تعبیر که از سویی نهاد روحانیت شیعه را سازماندهی کردند و از سوی دیگر شاهنامه‌خوانی را در هر محله ترویج کردند و توجه به شاهنامه به‌عنوان سند هویت ملی ایران در دولت صفوی مورد توجه قرار گرفت. به‌علاوه، دولت صفوی ارانمه را نیز سازماندهی می‌کند تا بتواند نیروی بزرگ تجاری در برابر اروپاییان داشته باشد. فراگیری نظام سیاسی در عصر برخی از پادشاهان صفوی به‌گونه‌ای است که روحانیت شیعه و ارانمه را با هویت ایرانی در زیر یک چتر قرار می‌دهد. دین شیعه به حکومت رسمی ایران بدل می‌شود، اما در کنار آن، اقوام دیگر همچون ارانمه می‌توانستند زیر چتر حکومت سازماندهی شوند و قدرت داشته باشند.

اما در مقابل، تجربه حکومت محدود عصر پهلوی است که به لحاظ فرهنگی ایران را دو شقه می‌کند و نه تنها به سمت سازماندهی اقشار اجتماعی نمی‌رود بلکه نیروهای اجتماعی سازماندهی شده را تضعیف یا محتل می‌کند و در نهایت این حکومت محدود با بحران مشروعیت روبه‌رو می‌شود. به طور کلی حکومت محدود آنگونه که در دوره پهلوی‌ها تجربه شد با چند مشکل روبه رو شد. اولاً جریان‌هایی که از دایره قدرت بیرون می‌مانند، همواره تهدیدی علیه حکومت محسوب می‌شوند. هر قدر دایره نیروهای خارج از حکومت بزرگ‌تر باشد تهدید هم جدی‌تر است. این خطر زمانی جدی‌تر است که نیروی خارج از حکومت بتواند با تکیه بر یک چارچوب فکری و ایدئولوژیک مخالفت خود را توجیه کند. به وضعیت حکومت پهلوی پس از کودتای ۲۸ مرداد توجه کنید؛ نیروهایی که خارج از حکومت بودند حکومت را نامشروع ساختند زیرا حکومت برخاسته از یک کودتا با همکاری بیگانگان برسر کار آمده بود و با قانون اساسی کشور که شاه باید حاکمیت و نه حکومت کند، ناسازگار بود. این مشروعیت زدایی از حکومت در نهایت به سقوط حکومت منجر شد، اما قبل از سقوط هم موجب عوام زدگی در سیاست‌های اقتصادی و اداری و هم فساد گسترده شد. حکومت محدود و جامعه ستیز باید برای حفظ خود شبکه توزیع امتیازات درست کند که یا در قالب شبکه‌های سازمان یافته عمل خواهند کرد یا به‌صورت کلی به اقشار گسترده امتیازات نادرست توزیع می‌شود آنچنانکه در دوره پهلوی روی داد. پیامد دیگر حکومت تجربه شده محدود پهلوی آسیب دیدن شایسته سلالری بود که دایره

مدیران در آن بسیار محدود شد. ■ بنابر این شما تجربه دوره پهلوی را بر خلاف دوره صفویه ناکارآمد می‌دانید در تولید گفتمانی که بتواند بخش‌های زیادی از جامعه را زیر یک چتر آورد؟

بله و هم‌بسیار اساساً بر بخوایم بر گردیم به شرایط امروز جامعه باید گفت که نخستین مسأله این است که رئیس جمهوری بعدی باید به حکومت

دبیر هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا در گفت‌وگو با «ایران»:

رد صلاحیت سلیقه‌ای نخواهیم داشت

مهراوه خوارزمی خبرنگار حوزه اصحاب

۲۸ خرداد سال آینده هم‌زمان با انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا هم برگزار می‌شود. پیش از این هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات در مجلس شورای اسلامی تشکیل شده و این هیأت کار خود را آغاز کرده است. در همین

ارتباط با سید حمید رضا کاظمی، دبیر این هیأت گفت‌وگو کرده‌ایم.

کاظمی تأکید دارد که اجرای قانون و پرهیز از سلیقه‌گرایی اصل اساسی کار هیأت نظارت در بررسی انتخابات‌ها خواهد بود. متن.

این گفت‌وگروا می‌خوانید.

وزارت کشور که مجری انتخابات است چه پیش‌بینی‌هایی انجام شده؟ اگر قرار باشد تعداد شعب انتخاباتی افزایش پیدا کند امکانی برای تأمین دستگاه‌های اخت‌رای وجود دارد تا شهرهای بیشتری تحت پوشش این امکان قرار بگیرند؟

ظرفیت وزارت کشور برای برگزاری انتخابات الکترونیک ظرفیت مشخصی است و در حال حاضر هم گویا امکان افزایش این ظرفیت وجود ندارد. در حال حاضر ۳۰ هزار دستگاه وجود دارد که می‌تواند حدود ۱۰هزار شعبه را پوشش دهد. ما در پاسخ

■ در بحث اجرای انتخابات در دوره گذشته در ۱۳ شهر انتخابات الکترونیک برگزار شد. در انتخابات پیش رو با توجه به بحث همه‌گیری کرونا و در هماهنگی با

امروزه هم ما به ایدئولوژی‌ای از سوی روشنفکران نیاز داریم که بتواند در کنار حکومت بودن و اصلاح امور را توضیح دهد و این مرزبندی‌های سیاسی بازتعریف شود. این حرکت هم نیازمند این است که از سویی، نگاه حکومت مانند حکومت صفوی به جریان‌های فکری تغییر کند و از سوی دیگر، روشنفکران نیز نقش‌شان را مورد بازبینی و بازتعریف قرار دهند

و مردم کمک کند تا حکومت به سمت فراگیری بیشتر حرکت کند. بن مسیر باید خوب درک شود. در انتخابات پیش رو، آنچه چیزی که می‌تواند تغییر ایجاد کند، انتخاب و حضور رئیس جمهوری است که بتواند فراگیری سیاسی ایجاد کند. زیرا اصلاح نظام اداری و کارآمدسازی

و مردم کمک کند تا حکومت به سمت فراگیری بیشتر حرکت کند. بن مسیر باید خوب درک شود. در انتخابات پیش رو، آنچه چیزی که می‌تواند تغییر ایجاد کند، انتخاب و حضور رئیس جمهوری است که بتواند فراگیری سیاسی ایجاد کند. زیرا اصلاح نظام اداری و کارآمدسازی

در جلسه آتی هیأت مرکزی تصمیم‌گیری کنیم. در دوره گذشته دستگاه‌ها در انتخابات شهرهایی که شوراهایی با حداقل ۳ عضو داشته استفاده شد. در این دوره هم وزارت کشور اعلام کرده که آمادگی دارد در همین حد انتخابات الکترونیک برگزار کند. ما هم با استفاده از همین ظرفیت موافقت کرده‌ایم. ■ اگر اشتباه نکنم چندی پیش سخنگوی هیأت نظارت بر انتخابات مجلس در اظهار نظری از احتمال برگزاری انتخابات شوراهادر یک بازه زمانی سه ماهه سخن گفته بودند و اینکه الزاماً انتخابات شوراهادر همه استان‌ها باید برگزار شود. در این باره آخرین تصمیمی که گرفته‌شده چیست؟

آنچه درباره بازه زمانی برگزاری انتخابات اشاره کرده‌اند تنها یک ایده است و هنوز جنبه قانونی به خود نگرفته. وزارت کشور هم هنوز اعلام نظر نکرده است که آیا این امر شدنی است یا خیر. به هر حال اصل مسأله این است که زمانی ما هر سال یک انتخابات برگزار می‌کردیم و مسئولان امر احساس کردند که نوعی خشکی و دلزدگی از انتخابات به وجود آمده و هزینه‌های زیادی را برای کشور ایجاد می‌کرد. بنابراین تصمیم به تجمیع انتخابات به نحوی که در قانون آمده گرفتند تا انتخابات مجالس خبرگان و

احمد مدیری از تجربه متفاوت صفویه و پهلوی در نسبت حکومت و گروه‌های مدنی می‌گوید

نیروه‌های اجتماعی برای توسعه با حاکمیت ائتلاف کنند

سنت حکومتداری باید به حکومت فراگیر تبدیل شود

و سنت روشنفکری از دولت ستیزی به دولت‌سازی تغییر یابد

مرتضی گل‌پور خبرنگار

فراگیری سیاسی پاهمان ائتلاف نیروهای اجتماعی و حاکمیت در عصر صفویه، به باور مدیری، در تجربه عصر صفوی، می‌بینیم که ائتلاف قاطبه روحانیت شیعه با حاکمیت، به همراه توجه حاکمیت به سرمایه‌های ملی مانند شاهنامه، توانست تجربه‌ای موفق در رونق کشور و حفظ کلیت و یکپارچگی سرزمینی ایران باشد؛ البته در چارچوب فکری وتحلیلی احمدمدیری، ابتدائیه‌روهای سیاسی بایدبموزند که باحداکثرسازي مطالبات راه به جایی نمی‌برند و چه بسا، این حداکثرسازی زمینه‌ساز محدودیت کش‌های آنان هم بشود. در مقابل، باتعدیل مواضع وخواست‌ها است که می‌توان انتظار داشت منافع و غایات جریان‌های اجتماعی و سیاسی و حاکمیت به یکدیگر نزدیک‌تر شود. مدیری، این وظیفه را بیش از همه متوجه روشنفکران می‌داند و تأکید می‌کند که باتغییر رویکرد روشنفکران از مشروعیت‌زدایی به همکاری انتقادی است که می‌توان زمینه‌های مناسبی برای ائتلاف فراهم کرد. به هر رو، به باور این استاد دانشگاه تربیت مدرس، اگر خواستار قوی شدن دولت، کارآمدتر شدن بوروکراسی، افزایش توانایی حل مسأله، افزایش مشروعیت ومقبولیت ودر نهایت توسعه وبهروزی ایران هستیم، همه طیف‌ها و طرف‌ها، باید بدانند که نخست، نیروی مقابل آنان هیچگاه حذف‌شدنی نیست ودوم اینکه چنین اهدافی با مشارکت همه بازرگان پاهمان فراگیری سیاسی حاصل می‌شود. درغیر این صورت، تداوم بازی حذفی توانایی حل مسأله را کاهش می‌دهد و ظرفیت‌های مادی ومعنوی ایران برای دستیابی به کامیابی رامحدود ومحدودتر می‌کند. او کنار گذاشتن این دیدگاه را، نخستین گام برای شکل‌گیری فراگیری سیاسی می‌داند. فراگیری به‌مابینه‌زمینه‌ویستری برای بازی همه بازرگان عرضه اجتماع، سیاست، اقتصاد و قدرت ایران، پرسش و پاسخ مکتوب با این استاد دانشگاه را می‌خوانید.

قابل تکرار نیست، اما درسی که نظام‌های سیاسی و دولت مدرن به ما می‌دهند این است که برای بقای حکومت، باید افرادی که در چارچوب یک جغرافیای واحد زندگی می‌کنند، به بقای سیستم بیندیشند و به تثبیت و تداوم اقتدار حکومت، اعتقاد داشته باشند.

کما اینکه در دوره صفویه نیز وقتی که ایدئولوژی تشیع صفوی مطرح شد، اگر دیدگاه آن دسته از روحانیون مثل مقدس اردبیلی که اعتقاد به پرهیز از حضور در حکومت داشتند، حاکم می‌شد، حکومت صفوی نمی‌توانست آن فراگیری سیاسی را ایجاد کند. در صورتی که تفکری که علمای لبنان با حکومت صفوی شکل دادند، این بود که می‌توان در کنار حکومت بود و مذهب تشیع را قوام بخشید. امروزه هم ما به ایدئولوژی‌ای از سوی روشنفکران نیاز داریم که بتواند در کنار حکومت بودن و اصلاح امور را توضیح دهد و این مرزبندی‌های سیاسی بازتعریف شود. این حرکت هم نیازمند این است که از سویی، نگاه حکومت مانند حکومت صفوی به جریان‌های فکری تغییر کند و از سوی دیگر، روشنفکران نیز نقش‌شان را مورد بازبینی و بازتعریف قرار دهند. نظام و مردم به رئیس جمهوری نیاز

سیستم نیازمند مشروعیت است و این مشروعیت فقط با یک چارچوب فکری که بتواند ایدئولوژی‌های مختلف را در کنار یکدیگر قرار دهد، امکان‌پذیر است. الگوی چنین مدلی در تاریخ ایران نیز چنانچه بیشتر اشاره کردم، حکومت صفویه است. اگر چه هیچ الگوی تاریخی

دیگر مجلس کارهای خوبی انجام شده است. منتها چون موضوع انتخابات امر سیاسی است که پرنگ‌تر می‌شود و جامعه را با خودشان درگیر می‌کند این اقدام مجلس بیشتر در رسانه‌ها به بحث گذاشته شد. ■ شما می‌فرمایید در مورد قانون انتخابات شوراهای مجلس قبل کاری انجام شده بود که باید نهایی می‌شد اما عده زیادی هم معتقد بودند که پیش از طرح‌های سه گانه مجلس یازدهم لوائح انتخاباتی هم به مجلس دهم ارائه شده بود. از جمله لایحه جامع انتخابات که گویا هم در دولت روی آن کار شده بودو هم سابقه کار کارشناسی در مجمع تشخیص مصلحت نظام داشت. بنابر این، این پرسش مطرح شد که چرا مجلس یازدهم با وجود آن لوائح، کار ادواریه‌ا را نه طرح آغاز کرد؟

حدود ۱۰ طرح انتخاباتی از مجلس نهم و دهم برجا مانده بود. آنچه در طرح این مجلس ارائه شد تجمیع همه آن طرح‌ها بود. این طور نبود که به محض تشکیل مجلس عده‌ای بروند طرحی بیاورند و بحث انتخاباتی را ابتدا به ساکن شروع کرده باشند. خیر این طور نبود بلکه با توجه به طرح‌های مجالس گذشته و حتی لایحه‌ای که از دولت آمده بود کار انجام شد. البته لایحه دولت خیلی کلی

مجلس چنان که می‌دانیم از کمسیون‌های تخصصی مختلفی تشکیل شده و در حوزه اقتصاد کمسیون‌های تخصصی متعددی دخیل هستند. در حوزه سیاسی که بخشی از آن به کمسیون امور داخلی کشور و شوراهای مرتبط است ما کار خودمان را انجام می‌دهیم و این کمسیون طبیعتاً در موضوع وضع معیشت و اقتصاد وظیفه‌ای ندارد. ضمن اینکه در دوره دهم کار اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای خلی جلو رفته بود. یعنی به حدی رسیده بود که به صحن مجلس ارائه شود. برای همین در دور یازدهم به محض ورود نمایندگان به مجلس و تشکیل کمسیون یکی از موضوعاتی که در دستور کار قرار گرفت همین قانون انتخابات بود. زیرا احساس ما این بود که بخشی از مشکلات سیاسی جامعه ما وجود نقص در قانون انتخابات برای نهادهای مختلف است چه ریاست جمهوری، چه شوراهای چه مجلس. به همین دلیل تصمیم گرفتیم که این قوانین را در مجلس یازدهم اصلاح و نهایی کنیم و به تصویب برسانیم و قانون را برای اجرا به دولت ابلاغ کنیم. این وظیفه کمسیون امور داخلی کشور و شوراهای بود و این کار را تا به اینجا پیش برده است. اما در مباحث اقتصادی هم در کمسیون‌های